



حق سلامت جسمی و روانی زوجه در روابط زوجین؛ با نگرشی بر حقوق فرانسه

سید جواد باقری اردشیر

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
seyyedbagheri2023@gmail.com

چکیده

تنبیه زوجه از دیدگاه حقوق موضوعه ایران، هنگامی جایز است که زوجه از تمکین در مقابل زوج خودداری نماید. بر این اساس، غیر از ساقط شدن حق نفقه، زوج حق دارد سه نوع تنبیه دیگر را که در آیه 34 سوره نساء آمده است به صورت تدریجی اجرا کند: پند و اندرز، دوری از بستر و سپس ضرب زوجه. البته این تنبیهات مشروط به این است که احتمال تأثیر در زوجه داشته باشد. طبق ماده 1108 قانون مدنی «هرگاه زن بدون مانع مشروع از وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود.» بنابراین، تنها تنبیهی که قانون برای زوجه در نظر گرفته است، قطع نفقه می‌باشد. مقاله حاضر تلاشی است در جهت رفع کاستی‌های تحقیقی و زدودن شبهات و تعصبات در این زمینه. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که زوج و زوجه هیچ‌کدام حق اجبار و تحکم طرف مقابل خود را در تمکین ندارند. لذا عدم اجبار زوج و زوجه بر این امر نشان از این دارد که تحکم در این مورد خشونتی غیرمجاز است. خشونت علیه زنان از جمله مسائل مهم اجتماعی در غرب است که از دهه 1990 در دستور کار سیاسی و اجتماعی کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفته است. روند روزافزون اشکال گوناگون خشونت و تبعیض علیه زنان و پیامدهای زیانبار آن برای کشورهای غربی سبب شده است، این کشورها به‌طور جدی در مقام مقابله با این پدیده برآیند. وضع کنوانسیون‌های بین‌المللی و تدوین راهبردها و تصویب و اجرای قوانین داخلی، در جهت مقابله با روند فزاینده این پدیده ارزیابی می‌شود. در این مقاله گزارشی مختصر از آخرین پژوهش‌های آماری منتشره در خصوص کم و کیف خشونت علیه زنان در دو کشور ایران و فرانسه ارائه می‌گردد و معلوم می‌شود با وجود تمام مراقبت‌ها و راهکارهای مقابله با خشونت علیه زنان آمارهای خشونت علیه زنان همچنان روند صعودی دارد.

کلیدواژه‌ها: حق سلامت جسمی، حق سلامت روانی، تنبیه زوجه، مقررات ایران، حقوق فرانسه.

مقدمه

تنبیه زوجه از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، هنگامی جایز است که زوجه از تمکین در مقابل زوج خودداری نماید. بر این اساس،

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشانی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۳ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶ - داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



فقها معتقدند غیر از ساقط شدن حق نفقه، زوج حق دارد سه نوع تنبیه دیگر را که در آیه 34 سوره نساء آمده است به صورت تدریجی اجرا کند: پند و اندرز، دوری از بستر و سپس ضرب زوجه. البته این تنبیهات مشروط به این است که احتمال تأثیر در زوجه داشته باشد. طبق ماده 1108 قانون مدنی «هرگاه زن بدون مانع مشروع از وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود.» بنابراین، تنها تنبیهی که قانون برای زوجه در نظر گرفته است، قطع نفقه می‌باشد. مقاله حاضر تلاشی است در جهت رفع کاستی‌های تحقیقی و زدودن شبهات و تعصبات در این زمینه. این تحقیق، به بررسی آیه 34 سوره نساء و چگونگی تنبیه و همچنین نظرات فقها و اندیشمندان در مورد واژه «ضرب» پرداخته است. تاریخ گواه و شاهد ظلم و ستم در تمامی قبایل و ملل، برزنان بوده است و شرافت و کرامت زن به عنوان یک انسان برابر با مردان (که به تعبیر قرآن کریم برتری فقط به تقوی است)، هرگز به وی داده نشده است. از این رو جنبش‌ها و نهضت‌های زیادی در سراسر جهان برای حمایت از حقوق زن و برای بدست آوردن ارزش و جایگاه واقعی زن صورت پذیرفته و همچنان ادامه دارد تا هرگونه خشونت و ظلم بر اساس جنسیت را از میان بردارد. در این میان رعایت اعتدال و دوری از هرگونه افراط و تفریط لازمه هرگونه حرکت اصلاحی می‌باشد. دین مبین اسلام، در چهارده قرن قبل، زمانی که انسانیت انسان به طرز شگفت‌آوری لگدمال می‌شد و در این میان زنان بیش از مردان مورد ظلم و ستم واقع می‌شدند، ندای حقوق انسان را بلند نمود و زن را نه تنها از کالای صرف بودن بیرون کشیده، بلکه برای وی به عنوان انسان ارزش، کرامت و حقوق مساوی با مردان قائل گردید؛ اما وجود برخی عادات و رسوم در برخی از اقوام و ملل مسلمان و همچنین تفسیرهای نادرست از دین موجب گشت که برخی از ظلم‌های موجود را مغرضانه یا جاهلانه به دین نسبت دهند و به همین بهانه، جمهوری اسلامی ایران را به نقض حقوق بشر از جمله در موضوع حقوق زنان متهم نم‌ایند. این نوشتار درصدد است با بررسی یکی از این موضوعات، یعنی جوانب مسأله تمکین زوجه از جهات فقهی و حقوقی به این سؤال پاسخ دهد که آیا تمکین نیز از مصادیق خشونت علیه زنان است یا نهادهی در جهت تحکیم بنیان خانواده؟ قبل از هر چیز باید مفهوم دقیق واژه خشونت و تمکین روشن گردد تا از هرگونه مغالطه کاری جلوگیری شود.

1- بیان مسأله

از دیدگاه اسلام در رابطه با خشونت‌گرایی نسبت به زنان: با مراجعه به کتاب و سنت یعنی دو منبع مهم و بزرگ شناسایی اندیشه اسلامی در عرصه‌های مختلف معارف الهی بر مقام و ارزشمندی زن در دیدگاه اسلام پی می‌بریم. در مکتب مبین اسلام زن به عنوان موجودی شریف و گوهری نفیس و دارای حق و گوهری معرفی شده و تعدی به حقوق او، تعدی به مقام و منزلت او تلقی می‌گردد. آنجا که در کلام الله شریف دارد «و عاشروهن بالمعروف» یعنی: با همسران خود با نیکی و مهربانی معاشرت کنید و از بی‌عدالتی و خشونت بپرهیزید. (نشریه جوان، 82/10/3)

اعتیاد مهم‌ترین عامل خشونت‌خانی است. تمایل و وابستگی غیرطبیعی و مداوم جسمانی و روانی بدن معتادان به مواد مخدر، عوارض جسمی و اجتماعی متعددی به همراه دارد. به طوریکه استعمال مداوم، موجب کاسته شدن اثرات تدریجی آن شده و باگذشت زمان برای حفظ تعادل، استعمال بیشتر مواد را می‌طلبد؛ بنابراین تمایل و وابستگی یا کشش نیرومند و نیاز یا اجبار به ادامه مصرف ماده بوده و وابستگی معتاد به مواد،

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشانی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۸۲ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶-۹ داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت شهری حقوقی پزشکی فراروی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



هم پدیده‌ای جسمانی است و هم روانی. علل اعتیاد را می‌توان در 4 گروه جسمی، روانی، اجتماعی و اقتصادی طبقه‌بندی کرد. در بررسی علل جسمی اثر ارث، ژن‌ها، نژاد، جنس و سن مورد بحث است. علل روانی اعتیاد، مسائلی همچون ابتلا به بیماری‌ها و اختلالات روانی، عدم تکوین شخصیت به ویژه ضعف اراده و شخصیت تلقین‌پذیر و نیز عقبماندگی ذهنی به شمار می‌آید. علل اجتماعی مهم‌ترین و در عین حال قابل کنترل‌ترین عوامل بروز و ادامه اعتیاد به شمار می‌آید. ناسازگاری‌ها و تشنج در محیط خانوادگی، فقدان آموزش، عدم اطلاع از مضرات و عواقب وخیم اعتیاد و سستی مبانی مذهبی، بیسوادی یا کم‌سوادی، مهیا نبودن اماکن و وسائل تفریحات سالم و ورزش برای پرکردن اوقات فراغت افراد، معاشرت با دوستان معتاد، مهاجرت به شهرهای بزرگ، اختلافات فرهنگی، غم غربت، تنهایی، وضع بد مسکن و محیط‌زیست زمینه را برای گرایش به اعتیاد فراهم می‌سازد.

در خصوص عوامل اجتماعی همچنین می‌توان به عوامل تربیتی و آموزشی (خانواده، مدرسه، گروه همسالان، رسانه‌های گروهی، اوقات فراغت، عوامل اقتصادی (فقر، مهاجرت، بیکاری) و عوامل فرهنگی (بی‌سوادی، عدم آگاهی، فقدان احساس مسئولیت) اشاره نمود. اعتیاد می‌تواند به دلایل اقتصادی نیز رخ دهد. اعتیاد در تمام قشرها و طبقات اجتماعی وجود دارد. ثروتمندان به علت داشتن امکانات و پول در جست‌وجوی لذت و خوشگذرانی در محافل دوستان بیشتر در معرض اعتیاد قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، قاچاقچیان برای توزیع مواد مخدر، افراد بیکار و فقیر و تهیدست را معتاد کرده و برای کسب درآمد و تهیه مواد مخدر، آنان را به توزیع مواد مخدر وا می‌دارند. بر اساس تحقیقات انجام‌گرفته، معاشرت با دوستان معتاد، وجود معتاد در خانواده، در دسترس بودن مواد، اختلافات و نابسامانی‌های خانوادگی، فقر اقتصادی، نداشتن سرگرمی و تفریحات سالم، بیماری‌های جسمانی، بیماری روانی، بیکاری، تجربه لذت‌های زودگذر، عدم آگاهی به مضرات مواد مخدر، تقلید و کمبود محبت بعنوان عوامل بنیادین اعتیاد معرفی‌شده‌اند. کم‌خوابی، بیماری صعب‌العلاج، ناکامی، نارضایتی و تبعیض، ناسازگاری‌ها و اختلافات زناشویی و خانوادگی، فراوانی ثروت، فقدان مسئولیت و درک صحیح، اشتغال به مشاغل خاص، مصرف مداوم داروهای آرام‌بخش و خواب‌آور، ضعف نفس، عدم پایبندی به مسائل اخلاقی و تربیتی در خانواده، تنبیه مربیان و اولیا، فقر فرهنگی و ناآگاهی، مهاجرت، آوارگی و جنگ نیز از دیگر عوامل مؤثر بر اعتیاد می‌باشند. عواملی چون پرورش یافتن در یک خانواده خشن و دارای سوء رفتار، سطح پایین آموزش و وضعیت بد اقتصادی، اعتقاد به اینکه اعمال خشونت علیه زنان در مواردی قابل‌قبول است. الکل و مواد مخدر می‌تواند افراد را خشن نماید. گاهی اوقات، تمایل افراد به کسب قدرت شخصی، آنها را به قدرت پوشالی مواد مخدر و توهم‌زا می‌کشاند. تحقیقات جاری نشان می‌دهند که مرتکبین سوء رفتار ممکن است از شخصی به شخص دیگر در جنبه‌های مهمی تفاوت داشته باشند؛ از جمله الگوی اعتیاد آنها، گسترده خشونت غیرخانوادگی و نیز تعادل شخصیتی آنها. یک نظریه پذیرفته شده عمومی که البته تحقیقات آنرا تأیید نکرده‌اند، آن است که مردانی که همسران خود را کتک می‌زنند، به شدت مست یا نشئه مواد مخدر بوده و در نتیجه وقتی اینگونه مردان مرتکب خشونت خانگی می‌شوند، رفتار آنها را می‌توان به‌عنوان یک انتخاب و یک عمل هدایت‌شده از قبل در نظر گرفت و نه یک اجبار. تصویب قانونی جامع برای مقابله



با خشونت خانگی، بهبود وضعیت اقتصادی زنان جامعه، پذیرش شأن والای زن، طرح‌های حمایتی - ایمنی برای زنانی که از اینگونه شوهران جدا می‌شوند، استفاده از وسایل ارتباط جمعی در جهت افزایش آگاهی عمومی درباره خشونت خانگی، گسترش مراکز حمایت از زنان و ارائه برنامه‌هایی مانند فراهم کردن خدمات حقوقی، پزشکی و روان‌شناختی برای زنان که مورد آزار قرار می‌گیرند، می‌توانند در کاهش میزان خشونت خانگی مؤثر واقع شوند. با توجه به اینکه آموزش کوتاه‌مدت (6 تا 12 ماه) شوهرانی که همسران خود را آزار قرار می‌دهند تنها در کوتاه‌مدت موجب توقف همسر آزاری به‌ویژه همسر آزاری جسمی در آنها می‌شود و در بلندمدت اثرات چشمگیری ندارد (انجمن روانشناسی آمریکا 1996)، ارائه آموزش‌های لازم به نوجوانان و جوانان، دختر و پسر، توسط مدارس و مراکز آموزش عالی و رسانه‌ها می‌تواند در بلندمدت موجب کاهش خشونت خانگی شود. با توجه به اینکه اعتیاد و خشونت خانگی هزینه زیادی را به جامعه تحمیل می‌کند، کاهش و یا از بین بردن آنها نه‌تنها از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه است بلکه موجب می‌شود که محیط خانواده چنانچه از آن انتظار می‌رود، محیط امن و سالمی برای اعضای آن باشد.

شدیدترین نوع خشونت فیزیکی ارتکاب قتل است و در موارد دیگر می‌توان به ایراد ضرب و جرح و انواع آن چون ایراد صدمه بدنی، شکستن اعضاء، سوزاندن اعضای بدن، کبود کردن بدن در اثر ایراد ضرب و ... اشاره کرد. طبق برخی پژوهش‌ها که در سال 1379 در شهر تهران صورت گرفت مشخص شد که خشونت‌های جسمی بیشتر از طرف مردان نسبت به زنان روی داده است، از نظر سنی نیز اکثر بزه دیدگان به گروه سنی 30 - 21 تعلق داشته است. طبق پژوهش‌های موسسه جرم‌شناسی دانشگاه تهران در دهه 70 و در میان 15 استان کشور بیشترین تعداد همسر کشی در استان‌های تهران، کرمانشاه و آذربایجان شرقی گزارش شده است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در قبال نشوز زوجه به ترتیب وعظ و اندرز، فاصله گرفتن در بستر و در نهایت تنبیه بدنی مقرر گردیده است. تعارض تنبیه با کرامت زن، حدود و ثغور زدن (مکارم شیرازی، همو: 373) و اینکه آیا زدن تعزیر است یا نوعی نوازش و اظهار محبت و در صورت تعزیر بودن اجرای آن بر عهده‌ی زوج است یا نظیر سایر تعزیرات بر عهده‌ی حاکم است (محقق داماد 1384، ص 21؛ موسوی بجنوردی 1386، ص 306).

2- اهمیت و ضرورت مسئله

اجرای این تحقیق، بازشناسی آرای حقوقی ایران و حقوق فرانسه درباره تنبیه بدنی زوجه و تعیین میزان تأثیر آن بر حقوق ایران و حقوق فرانسه به‌منظور یافتن پاسخ منطقی و مناسب به شبهات مطرح شده درباره این موضوع است و بسترسازی برای ارائه‌ی نظریه‌ای منسجم، منطقی و مستدل، با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی به‌منظور دفاع از حریم قرآن و علم فقه در مسأله جواز و محدوده تنبیه بدنی زوجه تنها از طریق بررسی‌های دقیق تطبیقی میسر خواهد بود.

3- سوال تحقیق

مقایسه تطبیقی تنبیه زوجه توسط زوج در نظام حقوقی ایران و فرانسه چه جایگاهی دارد؟

4- اهداف

مقاله حاضر تلاشی است در جهت رفع کاستی‌های تحقیقی و زدودن شبهات و تعصبات در این زمینه و ضمناً اثبات موضوع اینکه زوج و زوجه هیچ‌کدام



حق اجبار و تحکم طرف مقابل خود را در تمکین ندارند. لذا عدم اجبار زوج و زوجه بر این امر نشان از این دارد که تحکم در این مورد خشونتی غیرمجاز است. خشونت علیه زنان از جمله مسائل مهم اجتماعی در غرب است که از دهه 1990 در دستور کار سیاسی و اجتماعی کشورهای توسعه یافته قرار گرفته است. در این مقاله ثابت می‌گردد که برخلاف قوانین فرانسه در قانون ایران به هیچ وجه خشونت نسبت به زن را روا ندانسته است و تبعیضی بین جنس زن و مرد قائل نشده است.

5- فرضیه های تحقیق

جزئیات تنبیه زوجه توسط زوج در نظام حقوقی ایران و فرانسه، مورد اختلاف است.

6- پیشینه تحقیق

بر اساس گزارش یونیسف زنان بیش از هر چیز، در منزل خود مورد تهدید و خطر قرار می‌گیرند. مصلح الدین نماینده صندوق جمعیت ملل متحد وقت درباره خشونت زنان می‌گوید:

«در ایالات متحده آمریکا در هر 9 ثانیه یک زن به طور فیزیکی توسط شریک زندگی خود مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد». در برخی کشورهای آمریکای لاتین و خاورمیانه مردان به خاطر قتل همسران عهده‌کنشان به عنوان «اعاده شرف» تبرئه می‌شوند، هر ساله 2 میلیون دختر ختنه می‌شوند، از تجاوز به عنف اغلب به عنوان سلاح جنگی استفاده می‌شود و بیست هزار زن مسلمان در بوسنی مورد تجاوز قرار گرفته‌اند و در همین حال هر روز 12 مورد مرگ به خاطر فقدان جهیزیه در هند روی می‌دهد.

تمام این اخبار در زمانی به گوش می‌رسند که همه مذاهب بزرگ دنیا حقوق زنان را به رسمیت شناخته و حمایت و بقای آنان را تشویق و تبلیغ می‌کنند با این حال در ایالت پنجاب پاکستان در سال 1998، 888 زن کشته شدند که در بین آنان 598 نفر توسط بستگان و 286 نفر به عنوان «اعاده شرف» به قتل رسیده‌اند. گفته می‌شود 2 زن از هر 3 زن نقاط مختلف جهان از خشونت‌های خانگی رنج می‌برند نتایج مقدماتی یک بررسی که به وسیله سازمان بهداشت جهانی انجام شد نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از زنان پرو از نظر جسمانی توسط همسر، پدر و برادر مورد حمله قرار گرفته‌اند. نتایج آماری باعث شد تا مسئولان بهداشت جهانی شروع به مقابله با این مشکل کنند، اما کمتر زنی برای گزارش خشونت خانگی به مراجع قانونی مراجعه می‌کند خشونت خانگی زنان را دچار مشکلات جسمی و روحی فراوان کرده است که سقط جنین یکی از این مسائل است. یک سوم از چینی‌زنان جزو بیماران حاد ناشی از تجاوز جنسی هستند کارشناسان بر این باورند که اغلب زنان مورد سوء استفاده همیشه در هراسند زیرا ممکن است در اثر خیانت مردان دچار سرایت ویروس ایدز شوند و این موردی است که طبق یک پروژه تحقیقاتی در ژاپن به اثبات رسیده است. (محمدرضا گودرزی بروجردی، نشریه اصلاح و تربیت، 109، شماره 24).

بر اساس نتایج تحقیقات انجام شده از سوی بشیر نازپرور متخصص پزشکی قانونی، زن آزاری در خانواده‌های تهرانی به عنوان ساکنان یک شهر بزرگ بیشتر شیوع دارد: برای توجیه این موضوع نظریه‌های مختلفی را می‌توان طرح کرد اما اگر تصور کنیم که فشارهای اقتصادی و مشکلات زندگی در شهر تهران باعث تشدید زن آزاری شده است باید توجه داشت که این مشکلات برای شهرستان‌های مقیم مرکز به مراتب بیشتر از تهرانی‌هاست زیرا قربانیان و جواهرانشان اغلب در سنین میانی قرار داشتند و در یک



جامعه شهری بی‌سروسامان بزرگ‌شده بودند درحالی‌که شهرستانی‌ها در جوامع بسته‌تر و مقیدتر به فرهنگ و اصول اجتماعی اخلاقی رشد یافته بودند. از یکصد نفری که قربانی همسرآزاری شده‌اند 61 نفر اهل تهران و از یکصد نفر مردی که اقدام به همسرآزاری کرده بود 48 نفر شهرستانی مقیم تهران هستند. (نشریه جوان، 82/10/22)

این امر لزوم توجه به مسائل تربیتی و فرهنگی در شهرهای بزرگ را یادآوری می‌کند تا در آینده شاهد تبدیل پدیده‌های نظیر زن آزاری به موضوعات حاد اجتماعی نباشیم. (نشریه آبادی، 82/1/16)

کتاب‌ها

علی اردلان، 1385، فرار زنان همسر دار از منزل، بررسی عوامل مؤثر اجتماعی - روانی، برنامه‌ریزی برای پیشگیری و کنترل پدیده فرار زنان همسر دار از منزل نیازمند اطلاع از عوامل مؤثر از شبکه علیتی پیچیده زیستی، اجتماعی و روانی آن در سطح خانواده اصلی، خانه همسر و جامعه است. هدف بررسی عوامل اجتماعی - روانی مؤثر بر این پدیده است. روش: در این تحقیق از دو استراتژی مطالعه پیمایشی و مطالعه موردی بر اساس ثبت شرح زندگی نمونه‌ها استفاده شد و طی 8 ماه نمونه‌گیری مستمر در 9 مرکز سازمان بهداشتی و زندان‌ها، مصاحبه با 31 نمونه ممکن شد. یافته‌ها: اکثر زنان فراری که در معرض خشونت زیاد قرار داشته‌اند به دلیل ضعف شبکه حمایت اجتماعی احساس انزوا، بی‌قدرتی، بیگانگی، افسردگی و اضطراب می‌کنند و کمتر به منابع ارزشمند در خانواده دستیابی دارند و دارای منبع کنترل بیرونی و تیپ شخصیتی برون‌گرا و نوروٹیک هستند. نتایج: فرار زنان از منزل معلول شبکه پیچیده‌ای از عوامل روانی - اجتماعی است که نیازمند مطالعات تحلیلی بیشتر و تقویت نهادهای حمایتی و ارتقای آگاهی زنان درباره توانایی‌ها و حقوقشان است.

مقاله‌ها

فریده ملک‌شاهی، علی فرهادی، 1380، بررسی میزان همسر آزاری و عوامل مؤثر بر آن در زنان همسر دار تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی خرم‌آباد، در جهان امروز خشونت نسبت به زنان یکی از مسائل بزرگ بهداشت عمومی به حساب می‌آید؛ و در طی دهه‌های اخیر به صورت پدیده‌ای همه‌گیر درآمده است. این مشکل بهداشتی و اجتماعی باعث به بار آمدن عوارض و تلفات در جهان می‌شود. همسر آزاری خود زمینه‌ساز مشکلات بهداشتی دیگری نیز است. بطوریکه زنان مورد ضرب و شتم 4 تا 5 برابر بیشتر از زنان دیگر به درمان‌های روحی نیاز پیدا می‌کنند. روش پژوهش: پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی از نوع ارتباطی است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه دو قسمتی، قسمت اول مشخصات فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، روانی و قسمت دوم پرسشنامه شاخص همسر آزاری شامل نوع آزار (جسمی و غیر جسمی) و شدت آن استفاده شد. 1054 زن همسر دار از بین 43000 خانوار با $d=3\%$ ، $z=1/96$ و $p=0/5$ انتخاب شدند. اطلاعات به روش مصاحبه جمع‌آوری گردید. روایی و پایایی پرسشنامه با اعتبار محتوا و Test-Re-Test کسب گردید. نتایج: همسر آزاری در تمام طبقات اجتماعی رخ می‌دهد؛ اما هنوز آمار روشنی در زمینه شیوع همسر آزاری در دسترس نیست؛ اما به نظر می‌رسد از شیوع بالایی برخوردار باشد. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان پس از بررسی دقیق خانواده‌ها در امر پیشگیری، تشخیص و درمان هر چه سریعتر مشکل همسر آزاری در زوجین موثرتر عمل نمود و با ارائه



آموزش و حمایت و ارجاع مناسب و افزایش توانمندی افراد، فرهنگسازی، مشاوره، آگاهی از حقوق همسر و... از خدمات بعدی پیشگیری نمود.
پایان نامه ها

داریوش جلالی، 1385، مقاله کارشناسی ارشد، خشونت علیه همسران معتادان، هدف از انجام این پژوهش بررسی و مقایسه خشونت تجربه شده همسران افراد معتاد در مقایسه با همسران افراد غیرمعتاد است. روش: تعداد 107 نفر از همسران افراد معتاد به صورت تصادفی و 107 نفر همسران افراد غیرمعتاد پس از همسازی با گروه نمونه انتخاب و توسط پرسشنامه میزان خشونت تجربه شده، ارزیابی شدند. میزان حمایت اجتماعی زنان نیز توسط پرسشنامه پروسیدانو محاسبه گردید. نتایج: همسران افراد معتاد در مقایسه با همسران افراد غیرمعتاد خشونت بالاتری را تجربه می‌کنند. در بین همسران افراد معتاد خشونت تجربه شده با حمایت اجتماعی رابطه معکوس دارد.

حسن شمس اسفندآباد، 1382، بررسی میزان رواج همسر آزاری و عوامل موثر بر آن، پیامدهای همسرآزاری در جوامع و تأثیرات سوء آن بر مادران و فرزندان در پژوهش‌های متعددی نشان داده شده است. از مشخصات عمومی همسر آزاری؛ پنهان بودن آن از انظار است؛ به طوری که اغلب زنان ایران آزار همسرانشان را تحمل می‌کنند. از این رو تحقیقات قابل توجهی در داخل کشور وجود ندارد. به منظور بررسی رواج همسر آزاری و عوامل موثر بر آن در میان زنان متأهل شهر تهران از الگوی پرسشنامه موفیتوهمکاران (1997) استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش که میزان همسرآزاری را 81.7 درصد گزارش می‌کند؛ مشخص می‌سازد که بین سن؛ میزان تحصیلات؛ شغل و میزان درآمد زن و شوهر با میزان همسرآزاری رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین با افزایش مدت زمان ازدواج میزان همسر آزاری کاهش نیافته و تحمل اجتماعی نه تنها به بقای خشونت خانگی کمک می‌کند بلکه موجب افزایش آن نیز می‌شود.

حسن شمس اسفندآباد، 1389، بررسی میزان رواج همسر آزاری و عوامل موثر بر آن، پیامدهای همسرآزاری در جوامع و تأثیرات سوء آن بر مادران و فرزندان در پژوهش‌های متعددی نشان داده شده است. از مشخصات عمومی همسر آزاری؛ پنهان بودن آن از انظار است؛ به طوری که اغلب زنان ایران آزار همسرانشان را تحمل می‌کنند. از این رو تحقیقات قابل توجهی در داخل کشور وجود ندارد. به منظور بررسی رواج همسر آزاری و عوامل موثر بر آن در میان زنان متأهل شهر تهران از الگوی پرسشنامه موفیتوهمکاران (1997) استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش که میزان همسرآزاری را 81.7 درصد گزارش می‌کند؛ مشخص می‌سازد که بین سن؛ میزان تحصیلات؛ شغل و میزان درآمد زن و شوهر با میزان همسرآزاری رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین با افزایش مدت زمان ازدواج میزان همسر آزاری کاهش نیافته و تحمل اجتماعی نه تنها به بقای خشونت خانگی کمک می‌کند بلکه موجب افزایش آن نیز می‌شود.

افسانه بختیاری، 1382، بررسی علل و آثار خشونت علیه زنان در خانواده مراجعین به مرکز پزشکی قانونی، خشونت خانوادگی شایعترین شکل خشونت علیه زنان با بیشترین عوارض اجتماعی روانی و اقتصادی است. لذا این تحقیق هدف تعیین علل و آثار خشونت و نیز مشخصات فردی-خانوادگی قربانیان انجام شد. مطالعه به صورت مقطعی آینده‌نگر در طی مدت یکسال (از فروردین تا اسفند 1380) انجام شده است از میان آنها زنانی که



مورد خشونت همسر قرار گرفته بودند بعنوان گروه مورد (183 نفر) و سایر زنانی که متاهل بوده و سابقه خشونت در خانواده را نداشتند بعنوان گروه شاهد در نظر گرفته شدند (325 نفر). نوع جراحت ایجاد شده غالباً جسمانی بود اما 13 درصد قربانیان اعمال فشار و خشونت جنسی را برای روابط جنسی عنوان نمودند. همچنین 71% زنان از علائم سایکوسوماتیک متعدد اظهار تألم نمودند. شیوع خشونت علیه زنان در مطالعه ما در مقایسه با سایر آمارها از شیوع نسبتاً بالایی برخوردار است و تظاهرات جسمی و سایکوسوماتیک شدیدی دارد. پرسنل بهداشتی - درمانی شامی پزشک ماما و پرستار باید بتوانند زنان در معرض خطر را شناسایی و با تقویت مهارت‌ها و حمایت مناسبی از اینگونه زنان بعمل آورند.

سید محسن موسوی، 1383، بررسی همسر آزاری در زنان شوهردار شهرستان اصفهان، همسر آزاری عبارت است از سوء رفتار با زن که می‌تواند به اشکال پرخاشگری، بدرفتاری روحی - روانی، هتاک، ضرب و شتم، استثمار کاری و مالی، منع روابط اجتماعی و ارتباط یا ترک ارتباط جنسی بدون رضایت باشد. عوارض همسر آزاری طیف وسیعی از آسیب‌های جسمی، روانی و اجتماعی تا مرگ را برای زن، به همراه دارد. این مطالعه به منظور بررسی وضعیت همسر آزاری در شهرستان اصفهان انجام شد. روش‌ها: این مطالعه به صورت مقطعی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین 495 بلوک انجام شد. بر اساس نقشه شهری اصفهان 50 بلوک انتخاب شد و در هر بلوک 8 پلاک سری مورد بررسی قرار گرفت و 386 زن شوهردار با استفاده از پرسشنامه استاندارد شده مورد مصاحبه قرار گرفتند. نتیجه‌گیری: با توجه به شیوع بالای همسر آزاری توصیه می‌شود که عوامل موثر بر ایجاد آن بررسی شود و به آموزش جامعه در خصوص آشنایی و رعایت حقوق زنان توسط شوهران، اخلاق حسنه، احترام متقابل، روابط زناشویی، مسئولیت جنسی پرداخته شود و قوانین اجتماعی از زنان بازنگری و یا تدوین گردد. مجله پزشکی قانونی

فربا زارع، 1383، بررسی پدیده همسر آزاری، پژوهش حاضر که یک تحقیق غیرآزمایشی (توصیفی) از نوع همبستگی است، به بررسی پدیده خشونت نسبت به زنان و رابطه آن با وضعیت شغلی، سنی، تحصیلی، درآمد، اختلاف فرهنگی و اختلاف سنی همسرشان پرداخته است بر این اساس تعداد 50 نفر از زنانی که به همراه فرزندان‌شان برای گذران اوقات فراغت خود، به پارک مرزداران واقع در منطقه 2 شهر تهران مراجعه می‌کردند به صورت تصادفی برگزیده شدند. برای بررسی پدیده خشونت از پرسشنامه محقق ساخته ارزیابی خشونت خانوادگی استفاده شده و با توجه به مقیاس اسمی و رتبه‌ای بودن مقیاس، داده‌ها از طریق آزمون مجذور خی دو مورد تحلیل قرار گرفته‌اند نتایج نشان داد که در 20 درصد خانواده‌ها هیچ نوع خشونتی وجود ندارد. در حدود 28 درصد خانواده‌ها خشونت جسمی، 30 درصد خانواده‌ها خشونت روانی، 12 درصد خشونت جنسی و 10 درصد خانواده‌ها دارای خانواده‌ها خشونت روانی، 12 درصد خشونت جنسی و 10 درصد خانواده‌ها دارای خشونت مالی می‌باشد. همچنین یافته‌ها بیانگر آن هستند که بین نوع خشونت با شغل، درآمد، تحصیلات، رفتارهای خشونت‌آمیز خانواده همسر، مداخله زوجین رابطه معنی‌دار وجود ندارد اما نوع خشونت با اختلاف فرهنگی رابطه معنی‌داری دارد. این پایان‌نامه همراه با جدول، نمودار، پرسشنامه و در 84 صفحه ارائه گردیده شده است. این پایان‌نامه با



شماره 737 در کتابخانه دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی ارائه گردیده شده است.

امرا.. رئیسی، 1380، بررسی وضعیت خشونت علیه زنان و عوامل موثر بر آن در شهرستان شهرکرد، زنان به انواع مختلف چه در محیط خصوصی (خانه پدر، شوهر) و چه در محیط عمومی (اجتماعی) مورد خشونت قرار می‌گیرند متأسفانه با توجه به پیامدهای جبران‌ناپذیر این خشونت، چه برای جوامع و چه برای زنان، این مساله به‌طور جدی مورد توجه دولت‌ها قرار نگرفته است. هدف این پژوهش بررسی وضعیت خشونت و عوامل موثر بر آن در شهرستان شهرکرد می‌باشد. روش تحقیق: در این پژوهش از روش‌های اسنادی و پیمایشی استفاده گردیده است. جامعه آماری آن شامل کلیه زنانی است که مورد خشونت قرار گرفته و دادگاه‌های این شهرستان دارای پرونده بوده‌اند که همه این پرونده‌ها به‌عنوان نمونه آماری انتخاب گردیده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بوده و برای آنالیز داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی استفاده گردیده است. نتایج: نتایج این پژوهش حاکی از آن است که: 1- بین نوع شغل مردان و خشونت علیه مردان رابطه معنی‌داری وجود دارد. 2- بین آشنایی قبل از ازدواج و خشونت علیه زنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. 3- بین طبقه اجتماعی مردان و خشونت علیه زنان، ارتباط معنی‌داری وجود دارد. 4- بین نوع ازدواج (تحمیلی یا اختیاری) و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد. 5- بین تضاد و تفاوت علایق بین زن و مرد و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد. 6- بین دخالت اطرافیان از دید مرد و خشونت علیه زنان رابطه وجود دارد. این پایان‌نامه همراه با جدول، نمودار و پرسشنامه در 218 صفحه ارائه گردیده شده است. این پایان‌نامه با شماره 3326 در کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران ارائه گردیده شده است.

7- تعاریف

تنبیه

واژه: «تنبیه» از نظر لغوی به معنای «بیدار کردن، آگاه نمودن واقف کردن بر چیزی، هوشیار کردن ملامت و سرزنش کردن و مجازات کردن آمده». تنبیه در اصطلاح عبارت است از روش‌های هوشیارکننده، یا هوشیار دهنده، همراه با ترس و یا بدون ترس و دلهره، که در بعضی موارد منتهی به ضرب می‌شود. که سبب ترک یا تضعیف عمل شود و فرد را از حالت انحراف منفی خارج سازد. تنبیه در این معنا به‌گونه‌ای مرادف با کیفر و بازخواست کردن است. چنانچه تنبیه در عرف به معنای زدن بکار می‌رود.

خشونت

خشونت از نظر لغوی به معنای غضب، درشتی و تندی کردن، ضد لینت و نرمی تعریف شده است.

همسر آزاری

در تعریف همسر آزاری به خاطر دخالت عوامل مختلف، صاحب‌نظران تعاریف‌های متفاوتی را شرح داده‌اند، دکتر علیرضا کاهانی در این مورد می‌گوید «همسر آزاری یعنی بدرفتاری یا خشونتی که از طرف یکی از زوج‌ها بر دیگری اعمال شود که این خشونت ممکن است جسمی یا روانی باشد» در برخی کتاب‌های مرجع، همسر آزاری یا خشونت با همسران را به الگوی فزاینده سوء رفتار که در آن همسر رسمی شریک زندگی خود را از طریق فشار، ترساندن و با تهدید به خشونت تحت مراقبت قرار می‌دهد تعریف کرده‌اند.



مفهوم حق

حق در لغت به معنای مطابقت، یکسانی و درستی است و در اصطلاح به فرموده شیخ انصاری، «حق عبارت است از نحوه‌ای از سلطه و توانایی که در پرتو آن صاحب حق می‌تواند مصلحت برای خود به دست آورد». تکلیف در معنای لغوی به معنای «مشقت و سختی است» و در اصطلاح به معنای «موظف کردن در مقابل تعالیم الهی و تبعیت از امرونهی پروردگار است».

رابطه حق و تکلیف

میان حق و تکلیف رابطه تنگاتنگی است، وقتی حق در مقابل تکلیف می‌آید، به معنای «امتیاز بر» یا «حق بر» کسی یا چیزی است. در اینجا تلازم حق و تکلیف مورد لحاظ است؛ یعنی وقتی از «حق» سخن به میان می‌آید در مقابل آن تکلیفی مطرح است که باید به آن حق گردن نهد. از این‌رو، هنگام صحبت از حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر، چیزی که حق زن است، همان وظیفه‌ای است که به عهده شوهر گذاشته شده و وظیفه زن همان اموری است که حق مرد معرفی گردیده است. توازن حق و اساس، رابطه حق و تکلیف رابطه توازن و تقارن است و آنها موازن و قرین یکدیگرند.

8- وظایف مشترک زن و شوهر

وظایف مشترک زوجین که در قانون مدنی ذکر شده است عبارت‌اند از: حسن معاشرت، معاضدت در تشیید مبانی خانواده و تربیت فرزند و وفاداری.

1. حسن معاشرت
2. خوش‌خلقی و گشاده‌رویی
3. احترام به همسر و تکریم شخصیت او
4. زینت و آراستگی
5. همدلی و مشارکت در انجام امور داخلی خانواده
6. حاکمیت فضای صمیمیت، مودت و گذشت در خانواده
7. معاضدت در تشیید مبانی خانواده و تربیت فرزند
8. وفاداری

8-1 وظایف اختصاصی مرد در خانواده (حقوق زن بر شوهر)

1. نفقه
2. ریاست بر خانواده (قوامیت)
3. قوامیت، حق یا تکلیف
4. مضاجعت، بیتوته، قسم

8-2 وظایف اختصاصی زن در خانواده (حقوق شوهر بر زن)

در حدیثی از امام باقر روایت شده است: زنی خدمت پیامبر اکرم رسید و از حق شوهر بر زن پرسید، حضرت فرمود «اینکه او را اطاعت کند و با او مخالفت ننماید، از خانه او چیزی بدون اجازه صدقه ندهد؛ او را از کامگیری منع ننماید هرچند بالای شتر باشد و بدون اجازه شوهر از خانه خارج نشود. اگر بدون اجازه از خانه خارج شود فرشتگان آسمان و فرشتگان غضب و رحمت همگی او را لعنت می‌کنند تا به خانه برگردد (نبلی پور، 1380، ص 247).

بنابراین، با توجه به احادیث و موارد موجود در متون فقهی و حقوقی، وظایف زن نسبت به شوهر عبارت‌اند از:

- تمکین
 - تمکین خاص
 - تمکین عام



- پرهیز از آزار شوهر، تندخویی و بدزبانی و قهر کردن
- عدم تصرف در اموال شوهر بدون اذن او
- عدم خروج از منزل بدون اجازه شوهر
- استثنائات خروج زن از منزل بدون اذن شوهر

برای خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر موارد استثنایی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: انجام واجبات عینی که موقوف بر خروج از منزل است، مانند سفر حج واجب و خروج برای تأمین معاش، چنانچه شوهر قادر به تأمین معاش نباشد یا از انفاق سرپیچی کند. موارد دیگری نیز وجود دارد که لازم است هر مکلفی در این مسئله به نظر مرجع خود رجوع نماید.

حتی در موارد استثنایی، در صورتی که خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر منجر به زیاده‌شدن اختلاف‌های خانوادگی می‌شود، زن باید سعی کند رضایت شوهر را جلب نماید.

بدین ترتیب تفاوت حقوق و تکالیف زن و مرد، به تفاوت‌های فطری و تکوینی آنها بستگی دارد و همین تفاوت‌هاست که عامل جذب آنان به یکدیگر و تلاش آنها در جهت حفظ و استحکام پایه‌های زندگی مشترک است؛ بنابراین، هیچ یک از حقوق و تکالیف زن و شوهر نمی‌تواند و نباید، زمینه‌ساز تفاخر، تحکم و ابزاری برای ظلم به همسر قرار گیرد.

9- ویژگی‌های ضمانت‌های کیفری

عقود و پیمان‌های اجتماعی زمانی مؤثر و مفیدند که به درستی اجرا شوند. بدیهی است اجرای هر پیمان مستلزم ابزارهای مناسبی است که از آن به‌عنوان ضمانت اجرا یاد می‌شود. این ضمانت اجرا در واقع قواعد اجتماعی را تأیید و تأکید و موجبات تقدس آنها را فراهم می‌کند (پرادل، 1373، ص 66) این ضمانت‌ها ممکن است اخلاقی، اداری، کیفری و یا مدنی باشد.

در میان ضمانت‌های اجرایی مختلف، ضمانت‌های کیفری شدیدترین درجه‌ی الزام و اجبار را دارا بوده، از حیث نوع، ضرورت و چگونگی اعمال همواره در معرض نقد اندیشمندان قرار داشته‌اند (پرادل 1373، ص 66).

مجازات خواه با اهداف سنتی اجرا شود و خواه بر اساس اهداف نوینی اعمال گردد آثار و ویژگی‌های خاص خود را خواهد داشت. رسواکنندگی ویژگی بسیاری از کیفرهاست. به تعبیر بکاریا رسوایی نشانه‌ی سرزنش عمومی است که بزهدکار را از تأیید همشهریان و اعتماد میهن و احساس برادری که پدیدآورنده‌ی زندگی اجتماعی است، محروم می‌دارد (بکاریا 1377، ص 82).

مجازات‌ها گذشته از خاصیت رسواکنندگی و ملازمه با خفت و خواری در بسیاری از موارد با رنج و عذاب همراه‌اند. از این گذشته، از هر نوعی که باشند، علاوه بر بزهدکار، در عمل اطرافیان او را نیز تحت تأثیر قرار داده و حتی روال عادی یک زندگی بلکه مسیر طبیعی زندگی اجتماعی را تغییر می‌دهند و چه‌بسا در مواردی به یک بحران برای نظام‌های حاکم تبدیل می‌شوند. با این وجود، علی‌رغم ناگزیری حکومت‌ها در توسل به آن همواره در کارکرد این ضمانت‌ها تردید وجود داشته است. بدین جهت تدابیر غیر کیفری به ویژه سیاست‌های پیشگیرانه به سرعت خود را بر تدابیر صرفاً کیفری تحمیل می‌کنند. از سوی دیگر اعمال کیفر به اقتدار حکومت‌ها و قوای عمومی مربوط می‌شود و حکومت‌ها از آن به‌عنوان ابزاری در حفظ نظم عمومی کمک می‌گیرند. با این خصوصیات به نظر می‌رسد، به‌عنوان یک اصل اولیه، می‌توان ضمانت‌های کیفری در کانون خانواده را فاقد جایگاه



دانست. چه آنکه مطابق موازین حقوقی باید، جز در موارد ضروری، از ورود قوای عمومی، که ذاتاً مداخله کردند، در نهادهای خصوصی ممانعت کرد، زیرا ورود قوای عمومی قداست خانواده را مخدوش کرده و مطابق پژوهش‌های به عمل آمده در عمل اغلب زمینه‌ساز متلاشی شدن آن می‌شود (پرادل، 1373، صص 90-105). کما اینکه ضمانت‌های کیفری در محیط خانواده می‌تواند حس تنفر، کینه و انتقام را در اعضای آن تشدید کند و فراخواندن یکی از اعضای خانواده از سوی دیگری به دادگاه نتیجه‌ای جز نابودی اصل کانون خانواده را به دنبال نخواهد داشت.

علیرغم اصل اولیه‌ی یادشده، نگارنده معتقد است در موارد خاصی می‌توان به‌عنوان آخرین حربه (آخر الدواء الكی) در راستای صیانت از اصل جایگاه خانواده و نیز پاسداری از قواعد و مقررات حاکم بر آن به ضمانت‌های کیفری متوسل شد. به‌عنوان نمونه، تدلیس در نکاح از آنجاکه قداست این بنیان مبتنی بر صداقت و عواطف را تهدید و احساسات دیگری را جریحه‌دار می‌کند، صدور گواهی سلامت برخلاف واقع برای ازدواج چون بهداشت خانواده را تهدید می‌کند، یا تخلفات سردفتران نظیر تزویج دختران نابالغ و یا زنان شوهردار به دلیل مسائل انسانی و اخلاقی قابل جرم‌انگاری است.

آنچه به نظر می‌رسد باید به دیده‌ی تردید به آن نگریسته شود و در جرم‌انگاری آن تجدیدنظر به عمل آید به‌کارگیری ضمانت‌های کیفری در راستای وادار کردن زوجین به انجام تکالیف محوله نظیر جرم ترک انفاق در مرد، جرم خودداری از تکالیف مربوط به حضانت، جرائم مربوط به نگهداری شایسته‌ی فرزندان، و اموری چون رها کردن طفل، و نظایر آن می‌باشد که احصاء آن پژوهش مستقلی می‌طلبد. در مقابل به نظر می‌رسد اموری چون خشونت خانوادگی و نیز نشوز مرد، با شرایطی که بیان خواهد شد، مستلزم جرم‌انگاری است.

10- تنبیه زوجه توسط زوج در حقوق فرانسه

اعمال خشونت علیه انسان‌ها در تمام ادوار تاریخ - با شدت و ضعف - وجود داشته است؛ اما زنان و دختران در مقابل خشونت، آسیب پذیرتر می‌باشند؛ زیرا آنان دارای روحی لطیف و از نظر جسمانی نسبت به مردان ضعیف هستند. اثرات مخرب این آسیب‌ها بر زنان، از نظر روحی و روانی در خانواده و جامعه کاملاً محسوس می‌باشد. متأسفانه از قرن 19 به بعد که جور حاکم بر کشورها به سمت سکولاریستی و اومانیستی پیش رفت، آرام آرام خشونت علیه زنان بیشتر شد تا جایی که افرادی در کشورهای غربی به فکر مقابله با خشونت علیه زنان افتادند و مراکز متعددی برای حمایت از زنان آسیب‌دیده در غرب تشکیل دادند؛ اما طبق آمارهایی که در این مقاله ارائه شده، معلوم می‌گردد که این مراکز از کارایی لازم برخوردار نیستند؛ زیرا خشونت‌ها از نظر کمیت و کیفیت رو به فزونی است. در این نوشتار، دو پژوهش که یکی در کشور فرانسه و دیگری در کشور آمریکا جهت بررسی خشونت علیه زنان انجام شده، ارائه می‌گردد.

در سال 1993 م. برای نخستین بار جامعه بین‌المللی حقوق بشر، رسماً خشونت علیه زنان را - حتی در زندگی خصوصی خانواده‌ها - به‌عنوان یکی از موارد نقض بنیادین حقوق بشر به رسمیت شناخت. در طول سال 1993 م. در کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین، حقوق زنان و دختران به‌عنوان جزء لاینفک حقوق بشر اعلام شد و خشونت جنسی و همه اشکال آزار و بهره‌کشی جسمی، جنسی و روانی ناشی از تبعیض، تعصب فرهنگی و قاچاق بین‌المللی



زنان، مغایر باکرامت و حرمت انسان شناخته شد. (The intimate Enemy: Gender Violence and Reproductive Health)

با این وجود، پژوهش‌های انجام‌شده در دهه گذشته نشان می‌دهد که خشونت جنسی در غرب و در کشورهای در حال توسعه، شایع است و عاملان و قربانیان آن را در میان همه طبقات، ملیتها و اقشار جامعه می‌توان یافت. خشونت علیه زنان - اعم از جنسی و روانی - یکی از مسائل حقوق بشر است. خشونت جنسی در خانواده‌ها، مدارس و همسایه‌ها رخ می‌دهد؛ اگرچه ممکن است از چشم ما پنهان بماند؛ بنابراین، می‌تواند خطرناک و زیان‌بار باشد. خشونت علیه زنان در طول دوران زندگی زنان به شش مرحله تقسیم می‌شود و در هر مرحله، انواع خاص خشونت علیه زنان اعمال می‌گردد. این مراحل عبارت‌اند از:

1. مرحله پیش از زایمان؛ سقط‌جنین مبتنی بر انتخاب جنسیت (Sex-selective abortion) (در چین، هند و جمهوری کره)، کتک زدن در خلال دوران بارداری (پیامدهای جسمی و روانی آن برای زن و جنین پس از تولد) و بارداری قهرآمیز و اجباری (مانند تجاوز جنسی جمعی علیه زنان در جنگ).
2. نوزادی؛ نوزادکشی دختران، بدرفتاری عاطفی و جسمی، دستیابی تبعیض‌آمیز به غذا و مراقبت‌های درمانی برای نوزادان دختر.
3. دوران کودکی؛ ازدواج کودکان دختر، نقص عضو (معلولیت) مربوط به اندام‌های تناسلی، (Genital mutilaion) خشونت جنسی از سوی اعضای خانواده و بیگانگان، دستیابی تبعیض‌آمیز به غذا و مراقبت‌های درمانی و روسپی‌گری کودکان.
4. دوران نوجوانی؛ ازاله بکارت، (Dating) خشونت معاشقه، (courtship) (اسیدپاشی در بنگلادش و تجاوز به عنف در ایالات متحده)، فحش‌ناشی از الزامات اقتصادی (به‌گونه‌ای که دانش آموزان دختر در آفریقا مجبور می‌شوند برای پرداخت شهریه مدرسه، با ثروتمندان پیر طرح رفاقت و دوستی بریزند)، سوء استفاده جنسی در محل کار، تجاوز به عنف، آزار جنسی، روسپی‌گری اجباری و قاچاق زنان.
5. دوران باروری؛ سوء استفاده از زنان و بدرفتاری با آنان از سوی همسران مرد و دوست‌پسرهای آنها، تجاوز به عنف در دوران زناشویی، سوء استفاده از جهیزیه دختر (عادت ناپسند جهیزیه)، نزاع‌ها و قتل‌های مربوط به آن، قتل زنان توسط شریک زندگی آنها، خشونت روانی، خشونت جنسی در محل کار، آزار جنسی، تجاوز به عنف و سوء استفاده از زنان معلول.

6. مرحله پیری؛ بدرفتاری با بیوه‌زنان و سوء استفاده از آنها و خشونت علیه زنان بزرگسال. (The intimate Enemy: crener violence and Reproductive Health)

1-10 خشونت علیه زنان در فرانسه

برای بسیاری از مردم، خشونت یک تجربه روزمره است. این تجربه، حاصل رابطه مبتنی بر قدرت یا سلطه‌ای است که غالباً در چارچوب زندگی شخصی یا خصوصی فرد رخ می‌دهد. اغلب واقعیت‌های خشونت جنسی از سوی قربانیان کتمان یا انکار می‌شود؛ اما برای ارائه آمار در باره میزان وقوع سوء استفاده جنسی، این اعمال خشونت باید بیان شود و برای بیان آن، ابتدا باید توصیف و نام‌گذاری شود. چنین کاری، نیازمند یک متدولوژی مناسب است.



پژوهش ملی درباره خشونت علیه زنان در فرانسه، نخستین پژوهش آماری است (The first french national survey) که درباره این موضوع در آن کشور انجام شد. برای فهم همه ابعاد این پدیده، در این پژوهش، همه اشکال خشونت اعمال شده علیه زنان - صرفنظر از هویت مرتکبان آن - مورد بررسی قرار گرفته است.

مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش، به پرسش‌هایی درباره خشونت لفظی، روانی، جسمی و جنسی در حوزه‌های عمومی، محل کار و نیز در روابط آنها با شریک (همسر)، خانواده و دوستان پاسخ داده‌اند.

10-2 فضای زن ستیزانه شهرهای بزرگ

در خیابان‌ها، وسایل حمل‌ونقل و اماکن عمومی، ناسزاگویی و توهین، شایع‌ترین شکل رفتار پرخاش‌گرانه است. 13 درصد پاسخ‌گویان معتقد بودند که در طول سال گذشته مورد خشونت لفظی قرار گرفته‌اند که در 25 درصد موارد، زنان آشنایی شخصی با مرتکبان خشونت داشته‌اند. 75 درصد کسانی که مرتکب خشونت علیه زنان شدند، مرد بودند. پرخاش‌گری و بدرفتاری لفظی علیه زنان، در شهرهای بزرگ - به ویژه پاریس - شایع‌تر است که دلیل این امر، شاید استفاده گسترده‌تر ساکنان شهرهای بزرگ از وسایل نقلیه عمومی و اماکن عمومی است.

تعرض جسمی از قبیل لخت کردن، کتک زدن و اقدام به قتل که رقم آن 2 درصد است، بیشتر از سوی زنان جوانی گزارش می‌شود که در شرایط انزوای اجتماعی زندگی می‌کنند (زنانی که بیکار هستند یا زنانی که تنها زندگی می‌کنند) و بیشتر متعرضان (بیش از 80 درصد)، مرد هستند. 5 درصد زنان جوان، صرفنظر از موقعیت اجتماعی‌شان، مورد تعقیب جنسی معنادار قرار می‌گیرند و 3 درصد آنها نیز مورد آزار و اذیت تن‌ماها (جلوه‌فروشان) واقع می‌شوند. 2 درصد زنان گفته‌اند که

مورد سوء استفاده جنسی در اماکن عمومی (شامل اغفال جنسی و لاس زدن و نوازش جنسی (petting)) واقع شده‌اند. تجاوز جنسی، اقدام به تجاوز جنسی و تجاوز به عنف، بسیار کمتر است. شاخص جهانی آزار جنسی، همه نوع سوء استفاده جنسی را در برمی‌گیرد. این شاخص، فضای زن ستیزانه رایج در بسیاری اماکن عمومی، به ویژه در پاریس را نشان می‌دهد (و 15 درصد را شامل می‌شود). 8 درصد از پاسخ‌گویان که غالباً زنان جوان هستند (به این معنی که 22 درصد آنها زنان 20 تا 24 سال می‌باشند)، مورد این نوع آزار قرار گرفته‌اند.

10-3 خشونت علیه زنان در محل کار

در عرصه کار و فعالیت زنان، دو پدیده متمایز رایج است؛ نوع اول کارگران حقوق‌بگیر را شامل می‌شود و احتمالاً با اشکال خاص مدیریت پرسنل در یک محیط رقابتی ارتباط دارند و نوع دوم به عوامل جنسیتی بستگی دارد. اهانت و تهدیدهای لفظی از سوی 8 درصد زنان در فرانسه گزارش شده است که معمولاً از سوی مشتریان و استفاده‌کنندگان از خدمات شهری که غالباً مردان هستند، اعمال می‌شود. این اهانت‌ها، تنها شکل تحقیر شناخته شده در محیط کار نیست. در این رابطه، شاخص فشار روانی تدوین شده است که پاسخ‌های مثبت، حداقل شامل یکی از سه وضعیت ذیل می‌شود:

الف) سپردن کارها و مشاغل که هیچکس حاضر به انجام آنها نیست یا اختصاص ساعات کاری که هیچکس خواهان آنها نیست به زنان.
ب) از کارگران زن به‌طور غیرمنصفانه، انتقاد متناوب می‌شود.

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشس، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۸۲ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶ - داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



ج) زنان مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرند. در این باره 17 درصد زنان اظهار داشتند که دستکم یکبار در طول سال، فشار روانی در محل کار را تجربه کرده‌اند که بیشترین میزان این شاخص، متعلق به دختران دبیرستانی است که شامل 29 درصد می‌شود و کمترین آن متعلق به زنان بالای 45 سال است که 20 درصد می‌شود. با ملاحظه تأکید اخیر بر آزار و اذیت روانی، شاخص دوم اندازه‌گیری می‌شود و بدین ترتیب، نقد و پرخاش‌های موضعی و تصادفی را از پرخاشگری‌های روزمره و دائمی (که میزان آن 4 درصد است)، متمایز می‌سازد. خشونت جسمی از یکطرف، به‌ندرت در محل کار اتفاق می‌افتد (6 درصد) و از سوی دیگر، خشونت، شامل ویران کردن محصول کار یا ابزار کار زنان از سوی همکاران آنها - اعم از زن یا مرد - شایع‌تر و حدود 2 درصد است.

در رابطه با تجاوز جنسی از سال 1992 م.، در قوانین جزایی و قانون کار، مفادی راجع به آزار جنسی گنجانده شده است. بر اساس این قوانین، سوءاستفاده از موقعیت شغلی در جهت بهره‌برداری‌های جنسی از طریق زور، تهدید یا اعمال سایر محدودیت‌ها ممنوع است و مرتکبین مجازات خواهند شد. به دنبال رویکرد عام مقوله آزار جنسی، تعریف آزار جنسی گسترش یافته، الزام شخص برای نگاه کردن به تصاویر مستهجن را نیز شامل شد و بدین ترتیب، مقامات عالی، همکاران، زیردستان، مشتریان و سایر افرادی که لزوماً صاحب موقعیت شغلی نیستند، نیز ممکن است مرتکب آزار جنسی شوند.

حدود 2 درصد زنان در طول یک سال منتهی به آغاز این پژوهش، از پیشنهادهای اغواگرانه و جنسی و نیز نوازش جنسی در محل کار رنج می‌برند که در یکپنجم موارد، فرد مهاجم، همکار (یا دستیار ارشد) آنها بوده است.

10-4 خشونت علیه زنان در خانه

اکثر خشونت‌ها علیه زنان، غالباً در خلوتخانه رخ می‌دهد. خشونت لفظی از قبیل توهین، تهدید و ارباب، باج‌گیری احساسی، سوءاستفاده از احساسات بچه‌ها، (به این صورت که بر سر بچه‌ها فریاد می‌کشند و آنها را تهدید به خودکشی می‌کنند)، فشار روانی ناشی از اقدام به کنترل اعمال و رفتار طرف مقابل (و پافشاری بر لزوم آگاهی از این که زن کجا و با چه کسی بوده است)، ممانعت از ملاقات زن با دیگران (و جلوگیری از ملاقات و گفت‌وگو با دوستان یا اعضای خانواده)، تحمیل نظرات (در مورد انتخاب نحوه لباس پوشیدن و سبک آرایش موها و یا سبک رفتار درملاءعام) و برخورد نامناسب و نگرش‌های مشکوک با زنان و تحقیر آنها نمونه‌هایی از این خشونت‌هاست. شاخص آزار روانی به وضعیت‌هایی مربوط می‌شود که وقایع فوق‌بیش از یکبار در مورد یک زن تکرار شود. سرانجام، تعرض‌های جسمی، به‌جز اقدام به قتل، کتک زدن و سایر اعمال وحشیانه، حبس کردن زنان و بیرون کردن آنان از خانه را نیز شامل می‌شود. تعریف تعرض جنسی، محدود به اعمال جنسی قهرآمیز و تجاوز به عنف است.

یافته‌های مربوط به خشونت خانگی، درباره زنانی است که مراوده و رابطه‌ای نزدیک با یک یار و شریک (همسر) طی سال گذشته داشته‌اند. در این مورد، فشار روانی، نقش مهمی ایفا می‌کند؛ اما تکرار و تناوب سوءاستفاده جنسی در پاسخ‌های پاسخ‌گویان مشهود بود که حدود یک درصد را شامل می‌شد.



برای دوسوم از زنانی که از سوی همسر سابق خویش به مقاربت جنسی یا اعمال جنسی ناخواسته وادار شده بودند، این پژوهش، نخستین فرصت بود که این رویدادها را بیان کنند. زنانی که اکنون دیگر از همسرانشان طلاق گرفته‌اند و همراه با بچه یا به‌تنهایی زندگی می‌کنند، سه تا چهار برابر بیش از دیگران از خشونت داخلی به ویژه آزار روانی شکایت داشته‌اند؛ که درصد آن 27 در مقابل 7 درصد بوده است. میزان وقوع اهانت‌ها، باج‌گیری‌های عاطفی یا تهدیدها، بر اساس موقعیت اجتماعی افراد، فرق می‌کند. زنان برخاسته از طبقات فقیرتر، بیش از دیگران از اهانت‌ها و سرزنش‌ها شکایت داشته‌اند؛ درحالی‌که تهدید و باج‌گیری خانگی، موارد بدرفتاری و خشونت علیه زنان (20 تا 24 ساله) بسیار بیش از مسن‌ترهاست. این شاخص در میان زنان بیکار نیز شایع‌تر از شاغلین است. خشونت جسمی در همه سطوح اجتماعی روی می‌دهد؛ اما در میان زنان بالای 25 سال، میزان وقوع سوء رفتار جسمی (آزار جسمی) در میان کارگران سطوح بالاتر، بیشتر است. 4 درصد کارگران سطوح عالی، دستکم یکبار مورد خشونت جسمی واقع شده‌اند و در تحصیلات بالا، بسیار بیش از دیگران گه‌گاه از فشار روانی-که به‌صورت اتفاقی و پراکنده روی می‌دهد - رنج می‌برند.

شاخص جهانی خشونت داخلی (خانگی) اکثراً از سوی مددکاران اجتماعی که به قربانیان خشونت کمک می‌کنند، مطرح می‌شود. خشونت لفظی و روانی نیز دقیقاً به‌اندازه خشونت و بدرفتاری جسمی، ویران‌گر است. از هر 10 نفر زن که با رفیق خود زندگی می‌کنند، یک نفر در این وضع به سر می‌برد و یکسوم کسانی که اخیراً از رفیق خود جدا شده‌اند، نیز این وضع را تجربه کرده‌اند. به‌طورکلی، خشونت داخلی فراگیر است و 9 درصد زنان - اعم از کسانی که بیرون از خانه به کار اشتغال دارند و آنها که خانه‌دار هستند - از این امر رنج می‌برند. در مقابل، زنان بیکار و دانش‌آموزان - که جوان‌تر هستند و غالباً در شرایط بی‌ثبات‌تر یا مخاطره‌آمیزتر به لحاظ اقتصادی زندگی می‌کنند - بسیار بیش از دیگران از خشونت در روابط با شریک و رفیق خود شکایت دارند که به ترتیب شامل 14 و 12 درصد می‌باشد.

این پژوهش نشان می‌دهد که در سال 2000 م. حدود 50 هزار زن بین 20 تا 59 ساله مورد تجاوز به‌عنف قرار گرفته‌اند. شاخص جهانی حملات جنسی بر اساس محاسبه موارد تجاوز جنسی، طی 12 ماه گذشته، نشان می‌دهد که 1/2 درصد پاسخ‌گویان موردحمله جنسی قرار گرفته و اقدام به تجاوز به‌عنف را تحمل کرده و یا مورد تجاوز به‌عنف قرار گرفته‌اند و 3 درصد از پاسخ‌گویان واقعاً مورد تجاوز به‌عنف قرار گرفته بودند.

اگر این شاخص برای 15/9 میلیون زن بین 20 تا 59 سال که در مرکز فرانسه زندگی می‌کنند، محاسبه شود، معلوم می‌گردد که 48000 زن در سنین فوق، طی سال 2000 م. مورد تجاوز به‌عنف قرار گرفته‌اند. مقایسه بین این ارزیابی و آمار پلیس دولتی نشان می‌دهد که در سال 1993 م. تعداد 7828 نفر مورد تجاوز به‌عنف قرار گرفته‌اند که از میان آنها 3350 نفر بالاتر از 18 سال سن دارند و حال‌آنکه تنها 5 درصد از موارد تجاوز به‌عنف علیه زنان، به پلیس گزارش شده است.

یافته‌های اولیه نخستین پژوهش درباره خشونت علیه زنان در فرانسه نشان می‌دهد که زنان بیش از دیگران در زندگی خصوصی خود متحمل خشونت



روانی، جسمی و جنسی می‌شوند و سایر خشونت‌های جسمی نیز در مورد آنها اعمال می‌شود؛ اما از آن جا که آزار روانی، شایع‌ترین شکل خشونت داخلی (خانگی) است، اصطلاح «زنان درب و داغون» که همواره مورد استفاده قرار می‌گیرد، این پدیده را به درستی توصیف نمی‌کند.

10-5 گسترش و دامنه شیوع خشونت علیه زنان

نخستین (Findings from the National Violence Against Women Survey) بار در اوایل دهه 1970 خشونت علیه زنان به‌عنوان یک معضل اجتماعی در ایالات متحده مطرح شد. علت اصلی این امر ظهور مجدد جنبش زنان بود. شمار زیادی از پژوهشگران حوزه‌های مختلف علمی نظیر فلسفه، علوم اجتماعی، ادبیات و حقوق، خشونت علیه زنان را در چارچوب ایدئولوژی فمینیستی بررسی کرده‌اند. علیرغم تحقیقات فراوان درباره این موضوع، به ویژه در حوزه‌های مربوط به تجاوز به عنف و خشونت خانگی، هنوز خلأهای فراوانی به چشم می‌خورد.

تاکنون داده‌های تجربی در این رابطه بین گونه‌های خاص خشونت علیه زنان، مانند قربانی شدن دختران خردسال و متعاقباً تجاوز علیه زنان بزرگسال، ناچیز بوده است. اطلاعات مستند درباره خشونت علیه زنان اقلیت‌های قومی و مذهبی و داده‌های مستند راجع به پیامدهای خشونت علیه زنان، از جمله آسیب‌های جسمی و روانی و استفاده از خدمات درمانی نیز محدود و اندک هستند. به‌منظور تقویت و بررسی مسأله خشونت علیه زنان، مؤسسه ملی دادگستری و مراکز پیشگیری و کنترل بیماری‌ها در سال 1998 مشترکاً یک پژوهش ملی درباره خشونت علیه زنان انجام دادند. در این طرح که از طریق تلفن انجام شده، از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شد به سؤالات ذیل پاسخ دهند:

- تجربه حمله فیزیکی در دوران کودکی از سوی بزرگسالان؛

- تجربه حمله فیزیکی در دوران بزرگسالی؛

- تجربه تجاوز به عنف و اجبار به ارتکاب اعمال جنسی و ارباب از پاسخگویی که در مرحله اول فاش می‌کردند که قربانی تجاوز جسمی یا جنسی بوده‌اند، پرسش‌های دقیق‌تری درباره ویژگی‌ها و پیامدهای تجاوز به عمل می‌آمد.

در این پژوهش 8000 هزار زن و 8000 هزار مرد مورد پرسش قرار گرفته‌اند. (Findings from the National Violence Against Women Survey, p.14) در این بررسی داده‌های تجربی درباره درصد شیوع تجاوز به عنف، تعرض فیزیکی، ارباب، میزان شیوع آسیب‌های جسمی و روانی در میان قربانیان و استفاده قربانیان این نوع اعمال از خدمات بهداشتی و درمانی بیان شده است. نتایج تحلیل یافته‌های اصلی این پژوهش به قرار ذیل است:

الف: تعرض فیزیکی

با استفاده از تعریف تعرض فیزیکی که طیف وسیعی از رفتارهای خشونت‌آمیز، اعم از سیلی زدن و لطمه زدن، تا استفاده از سلاح گرم را شامل می‌شود، پژوهشگران دریافتند که تعرض فیزیکی در میان زنان آمریکایی بسیار شایع است؛ 52 درصد پاسخگویان زن اظهار داشتند که در دوران کودکی یا بزرگسالی مورد تعرض فیزیکی قرار گرفته‌اند؛ 1/9 درصد گفتند که طی 12 ماه گذشته (منتهی به این پژوهش) مورد تعرض قرار گرفته‌اند. بر اساس این برآوردها، تقریباً سالانه 1/9 میلیون زن آمریکایی مورد تعرض فیزیکی قرار می‌گیرند.



بر اساس برآوردهای این پژوهش، زنان قربانی تعرض فیزیکی به طور میانگین سالانه 3/1 بار مورد تعرض قرار می‌گیرند. بر این اساس، شمار زنان مورد تعرض فیزیکی به تفکیک موارد تعرض، به 5/9 میلیون مورد بالغ می‌شود.

ب: تجاوز به عنف

اگر تجاوز به عنف را به‌گونه‌ای تعریف کنیم که همه انواع مقاربت جنسی را شامل شود، بر اساس داده‌های پژوهش حاضر، تجاوز به عنف، جرمی است که پیش از بقیه خشونت‌ها علیه دختران و زنان جوانان اعمال می‌شود، 18 درصد زنان گفته‌اند که در طول زندگی خود یک تجاوز جنسی کامل یا اقدام به تجاوز را تجربه کرده‌اند و 30 درصد گفتند که در طول 12 ماه گذشته یک تجاوز جنسی کامل یا اقدام به تجاوز را تجربه کرده‌اند. از مجموع زنانی که اذعان داشتند در طول زندگی خود مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند، 22 درصد آنها کمتر از 12 سال و 32 درصد آنها بین 12 تا 17 سال سن داشتند. با توجه به این یافته‌ها راهبردهای پژوهشی باید بر تجاوز به عنف علیه کودکان و نوجوانان متمرکز بشود.

ج: تجاوز جنسی

زنان بسیار بیش از مردان از سوی شریک زندگی خود مورد تجاوز قرار می‌گیرند، 25 درصد زنان و 8 درصد از مردان اظهار داشتند که در طول زندگی خود از سوی همسر فعلی یا همسر سابق، دوست دختر یا دوست پسر، یا هم خانه خود مورد تعرض فیزیکی قرار گرفته‌اند؛ 1/9 درصد زنان مورد بررسی و نیز 9 درصد مردان مورد بررسی گفتند که در طول 12 ماه گذشته مورد تعرض فیزیکی قرار گرفتند. بر اساس برآوردهای فوق، سالانه حدود 1/5 میلیون زن و 834700 مرد در ایالات متحده، از سوی شریک زندگی خود مورد تعرض فیزیکی یا تجاوز جنسی قرار می‌گیرند. 18 درصد زنانی که پیش از سن 18 سالگی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند اظهار داشتند که پس از 18 سالگی نیز مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. در حالی‌که این رقم در مورد زنانی که بیش از 18 سالگی مورد تجاوز قرار نگرفته بودند، 9 درصد است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که از هر 6 زن در ایالات متحده 1 نفر و از هر 33 مرد یک نفر، یک تجاوز جنسی کامل یا اقدام به تجاوز جنسی را در کودکی یا بزرگسالی تجربه کرده‌اند؛ مشخصاً 18 درصد زنان و 3 درصد مردان گفتند که در طول زندگی خود یک تجاوز جنسی را تجربه کرده‌اند. این یافته‌ها مشابه یافته‌های مرکز پژوهش زندگی اجتماعی و بهداشت اجتماعی است که بر اساس آن 22 درصد زنان و 2 درصد مردان در طول زندگی خود به زور وادار به انجام عمل جنسی شده بودند.

همچنین بر اساس این تحقیقات، 3 درصد زنان و 1 درصد مردان در 12 ماه گذشته یک تجاوز جنسی کامل یا اقدام به تجاوز جنسی را تجربه کرده‌اند. بر اساس این برآوردها، در ایالات متحده سالانه 302/100 زن و 92/700 مرد، مورد تجاوز به عنف قرار می‌گیرند.

از آنجاکه برخی قربانیان تجاوز جنسی، در طول 12 ماه منتهی به این پژوهش، بیش از یکبار مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. درصد شیوع تجاوز به عنف (یعنی شمار قربانیان تجاوز به تفکیک تعداد تجاوز جنسی) از شمار قربانیان تجاوز فراتر می‌رود. بر این اساس، هر زن به‌طور متوسط 2/9 بار در طول 12 ماه گذشته مورد تجاوز قرار گرفته است. این رقم برای



مردان، 1/3 است. بر اساس برآوردهای این پژوهش، در طول 12 ماه منتهی به این پژوهش، حدود 876/100 مورد تجاوز به عنف علیه زنان و 111/300 مورد تجاوز به عنف علیه مردان در ایالاتمتحده صورت گرفته است. خشونت از طرف یار صمیمی (همسر، دوست پسر، دوست صمیمی، هم‌خانه)، شایع‌ترین شکل خشونت علیه زنان است: 76 درصد زنانی که از سن 18 سالگی مورد تعرض فیزیکی یا تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند، از سوی همسر فعلی یا سابق خود، هم‌خانه خود یا دوست پسر خود مورد تعرض قرار می‌گیرند، این رقم در مورد مردان 18 درصد است.

د: آسیب‌دیدگی زنان

احتمال آسیب‌دیدگی در خلال تعرض جسمی و جنسی در میان زنان بسیار بیش از مردان است. 32 درصد زنان و 16 درصد مردانی که از سن 18 سالگی به بعد مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بودند در آخرین تجربه تجاوز جنسی خود دچار آسیب‌دیدگی شده‌اند؛ 39 درصد زنان و 25 درصد مردانی که از سن 18 سالگی مورد تعرض فیزیکی قرار گرفته‌اند، دچار آسیب‌دیدگی شده‌اند. حدود 1/3 زنانی که در خلال تجاوز جنسی یا تعرض فیزیکی آسیب‌دیده‌اند، نیازمند مراقبت‌های پزشکی بودند.

ه: ترس و ارباب

اگر ارباب (Stalking) به معنی احساس ترس شدید تعریف شود؛ بر اساس نتایج این پژوهش 8 درصد زنان و 2 درصد مردان مورد بررسی اظهار داشتند که در طول زندگی خود مورد ارباب قرار گرفته‌اند، 1 درصد زنان و 4 درصد مردان گفتند که طی 12 ماه گذشته مورد ارباب قرار گرفته‌اند. بر اساس این برآوردها، سالانه حدود 1 میلیون زن و 371 هزار مرد در ایالاتمتحده مورد ارباب قرار می‌گیرند.

بحث و نتیجه‌گیری

تأسیس خانواده و احکامی که توسط اسلام به ما رسیده باعث رشد و نمو خانواده‌ها می‌شود و کسانی که این آداب را رعایت نمی‌کنند و وظایفی که بر عهده‌ی هر کدام از آنان است را انجام نمی‌دهند و از آن سر باز می‌نهند باعث می‌شود که رابطه آنان دارای خدشه می‌شود، و از آن لذتی که می‌توانستند از زندگی خود ببرند بی‌بهره بمانند. هدف از تشکیل خانواده و نکاح به‌غیر از تمتع جنسی که یکی از اهداف اولیه‌ی ازدواج می‌باشد رسیدن به آرامش در زندگی در کنار همسر تا هر دو آنها به زندگی مطلوب و به دور از تشویش فکری، به کمال انسانی و پرورش فرزندان صالح برسند.

مرد در خانواده، رئیس خانواده محسوب می‌شود و وظیفه مدیریت امور مالی، پرداخت نفقه و حراست از کیان خانواده را برعهده دارد، در مقابل زن هم به‌عنوان عامل آرامش، باید به وظایفی که برای مدیریت خانه و برقراری آرامش در زندگی زناشویی نیاز است، عمل کند. بر همین اساس، همانطور که مرد مسئول تأمین مالی خانواده است، زن هم باید از شوهر در وظایف زناشویی تمکین کند؛ اگر مردی به وظایف مالی خود در خانواده عمل نکند و نفقه نپردازد، از نظر قانون مجرم هست و باید مجازات شود، زنی هم که به وظایف خود عمل نکند، «ناشزه» محسوب می‌شود و از نفقه محروم است.

رابطه میان حق و تکلیف رابطه دو سویه و غیرقابل تفکیک است که در روابط همه انسانها با یکدیگر حاکم است و توجه به این رابطه دوسویه، زن و شوهر را به سمت تکالیفی که خداوند برایشان در قبال یکدیگر وضع



نموده، سوق می‌دهد. این مسئولیت‌ها که در دو بعد وظایف مشترک و اختصاصی، از رهگذر وحی و تعالیم انبیا و معصومین به دست ما رسیده است، شامل حسن معاشرت، تلاش در جهت تحکیم مبانی خانواده، تربیت فرزند و وظایف اختصاصی اموری مانند وجوب مدیریت خانواده بر مرد و تمکین از ناحیه زن می‌شود. اگر اساس رابطه زن و شوهر بر پایه روابط معروف و شایسته، پایه‌گذاری شود، این مهم، خود زمینه‌ساز توجه به سایر حقوق یکدیگر خواهد بود؛ به شرط آنکه زن و شوهر هر دو از وظایف و حقوق خود نسبت به همسر آگاهی لازم داشته باشند و فارغ از دستاویز قرار دادن برخی از تفاوت‌های حقوقی خود با یکدیگر و پذیرش این تفاوتها که مایه جذب و انجذاب آنان می‌باشد، تعهد برای رعایت آن حقوق را نیز در خود احساس کنند. در چنین شرایطی است که بر اساس سخن الهام‌بخش قرآن کریم «آنان لباس یکدیگر خواهند بود که علاوه بر پوشاندن عیوب، زینت‌بخش یکدیگرند و اساس رابطه‌شان مودت و رحمتی است که زمینه‌ساز رسیدن به کمال و رستگاری، سلامت روح و روان فرزندان و تحکیم‌بخش خانواده و رشد و تعالی جامعه خواهد بود.

برای آنکه رابطه زناشویی با اعمال سلیقه و گرایش‌های خاص هر یک از زوجین تهدید به گسستن نگردد، در اسلام برای هر یک حقوقی تعیین شده است؛ اما گاه در اثر برخی عوامل، موجباتی فراهم می‌آید که این حقوق از سوی مرد یا زن یا هر دو نادیده گرفته می‌شود و به نوعی واگرایی می‌انجامد که در اصطلاح، نشوز نامیده می‌شود.

نشوز یکی از مباحث مهم قرآنی در حوزه مناسبات خانوادگی است و در لغت و فقه امامیه بر خروج زوج یا زوجه از انجام تکالیف زوجیتشان دلالت دارد؛ اما در حقوق موضوعه استفاده از لغت و مفهوم نشوز ناقص بوده تعریف و گستره‌ی صریحی از آن وجود ندارد. این ابهام با وجود اختلاف‌نظر فقها به ویژه در مصادیق گستره‌ی نشوز زوجه می‌تواند سردرگمی قضات، تشتت در آراء دادگاه‌های خانواده و افزایش طول مدت دادرسی را به دنبال داشته باشد؛ مانند مسائلی چون اشتغال زنان که منوط به خروج آنها از منزل است و با توجه به اقتضائات خانواده در عصر حاضر، تعیین تکلیف آن بر مناسبات زوجین تأثیر بسزایی دارد؛ لذا حتی اگر برای کاربرد اصطلاح نشوز در قوانین، موضوعیتی قائل نباشیم، بیان صریح مختصات تحقق آن، از ملزومات ورود بسنده‌ی دادگاه‌های خانواده به دعاوی زوجین به شمار می‌رود. نشوز به‌عنوان یک مفهوم کلی دارای مراتبی از شدت و ضعف است و از نظر فقهی برای اصلاح هر یک، راهبردهایی وجود دارد. پاره‌ای از این راهبردها مربوط به عمل و تکالیف مشترک زوجین در مقابل هم دیگر می‌باشد، لیکن آنگاه که تدبیر شخصی زوجین در عدم به وجود آمدن نشوز بین آنها کارساز واقع نشد و ناسازگاری به مرتبه شدت آن یعنی شقاق برسد، طبعاً امکان اصلاح از دست آنان خارج است و به وجود عناصر آگاه و خیرخواهی نیازمند است که در جهت به صلاح آوردن گسست موجود مداخله نماید.

تجاوز به عنف به‌عنوان جرمی تلقی شود که بیش از همه علیه کودکان اتفاق می‌افتد. از مجموع 18 درصد زنانی که تجاوز جنسی یا اقدام به تجاوز به عنف را در طول زندگی خود تجربه می‌کنند، 54 درصد پیش از سن 18 سالگی مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند.

باید تحقیقاتی انجام شود که نشان دهد، چرا میزان شیوع خشونت جنسی در میان زنان دارای پیشینه قومی و نژادی مختلف، متفاوت است. زنان بیش از مردان در معرض خطر خشونت همسران خود هستند.

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشانی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۴۱۳۷۲۵۵۰۶ - داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



خشونت علیه زنان غالباً از طرف خشونت همسران (هم‌خانه) آنها است. جامعه بهداشتی و درمانی آمریکا باید آموزش‌های فراگیر درباره نیازهای پزشکی و درمانی قربانیان جرائم خشونت علیه زنان، دریافت کند. همچنین ارباب باید به‌عنوان یک معضل مهم اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.



منابع

* قرآن کریم .

1. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ترجمه ی علی اکبر و محمد غفاری و صدر بلاغی، تهران، صدوق. 1367.
2. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر. 1414.
3. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی- فارسی، تهران، نشر نی، چاپ دهم. 1388.
4. اراکی، محمدعلی: «کتاب النکاح»، قم، نورنگار، چ اول، 1377.
5. اردبیلی، احمد، مجمع الفائده و البرهان، قم، جامعه ی مدرسین. 1416.
6. آلن و باربارا پینر، آنچه زنان و مردان نمیدانند، ترجمه زهرا افتخاری، تهران، نسل نو اندیش. 1383.
7. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، کتاب فروش اسلامی. 1371.
8. انصاری، قدرت الله و همکاران، تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1385.
9. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، قم، ام ابیها. 1379.
10. بازگیر، یدالله، حقوق خانواده در آینه آراء دیوان عالی کشور، تهران، فردوسی. 1378.
11. بحرانی، یوسف: «الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة»، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ اول، سال 1409.
12. بکاریا، سزار، رساله جرائم و مجازاتها، ترجمه محمد علی اردبیلی، تهران، میزان، ج 3. 1377.
13. پرادل، ژان، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه ی دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، 1373.
14. جان گری، مردان مریخی زنان ونوسی، ترجمه سد رضا نیازی، قم، نجبا. 1381.
15. جبعی عاملی، زین الدین، مسالك الافهام، قم، المعارف اسلامی، ج 8. 1425.
16. -----، (شهید ثانی)، زی نالدى نبن علی، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه. 1413.
17. -----، زین الدین (شهید ثانی)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، انتشارات داوری، قم، چ اول، 1410.
18. -----، زین الدین (شهید ثانی)، مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، موسسه المعارف الاسلامیه، قم، چ اول، 1416.
19. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش. 1381.
20. جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، قم، اسراء. 1384.
21. حبیبی تبار، جوادی، گام به گام با حقوق خانواده، نشر گام به گام قم. 1383.
22. حر عاملی، محمد بن حسن: «وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه»، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
23. حلی (علامه)، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، قم، منشورات الرضی، بی تا.
24. -----، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران، استقلال. 1403.
25. -----، جعفر بن حسن: «شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام»، بیروت، دار الاضواء، چ دوم، 1403.
26. -----، احمد بن محمد بن محمد بن فهد: «المهذب البارع»، مؤسسه نشر اسلامی، بیروت، 1407.



27. ----- جعفر بن الحسن، شرایع الاسلام. تهران، منشورات الاعلمی. 1389.
28. ----- محمد بن حسن: «ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد»، بیروت، چ اول 1387.
29. خامنه ای، سید محمد، حقوق زن (مقایسه حقوق بشری و مدنی زن در اسلام و اعلامیه حقوق بشر)، انتشارات علمی و فرهنگی. تهران، 1375.
30. خوئی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم، مدینه العلم. 1410.
31. دهخدا، علی اکبر: «لغتنامه»، چاپ دانشگاه تهران، 1347.
32. ----- علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران. 1377.
33. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم. 1404.
34. زحیلی، وهبة: «الاسرة المسلمة فی العلم المعاصر»، دمشق، دار الفکر، چ اول، 1420.
35. سبزواری، عبدالاعلی، مهذب الاحکام، قم، دفتر آیت الله سبزواری. 1413.
36. سید قطب: «فی ظلال القرآن»، ترجمه مصطفی خرم دل، تهران، نشر احسان، 1378.
37. شایگان، سید علی، حقوق مدنی، به کوشش محمد رضا بندرچی، انتشارات طه، قزوین. 1375.
38. شهری، غلامرضا و محمد خرازی، مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی در زمینه مسایل مدنی، تهران، روزنامه رسمی. 1380.
39. شیخ صدوق، ابن بابویه: «المقنعة»، مؤسسه امام هادی، تهران، 1415.
40. شیخ مفید: «المقنعة»، مؤسسه نشر اسلامی، تهران، چ دوم، 1410.
41. صفایی و امامی، سید حسین و اسدالله، مختصر حقوق خانواده، تهران، انتشارات میزان. 1386.
42. طالقانی، محمود: «تفسیر پرتوی از قرآن»، شرکت سهامی انتشار، تهران، 1358.
43. طائی، یحیی، التعزیر فی الفقه الاسلامی، قم، بوستان کتاب. 1381.
44. طباطبایی (علامه)، سید محمد حسین: «تفسیر المیزان»، ترجمه سید محمد باقر همدانی، دفتر تبلیغات اسلامی قم، 1363.
45. ----- سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی. 1391.
46. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، «العروه الوثقی»، بیروت، مؤسسه الاعلمی، چ دوم، 1409.
47. طباطبایی، سید علی، «ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالذات»، قم، موسسه آل البيت (ع)، 1404.
48. طرابلسی، عبدالعزیز بن براج، «المهذب»، قم، موسسه النشر الاسلامی، 1406.
49. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی. 1416.
50. طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن: «المبسوط فی فقه الامامیه»، المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية، تهران، 1460.
51. ----- ابوجعفر محمدبن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تحقیق محمدتقی کشفی، تهران، مکتبه المرتضویه لاحیاء و الآثار الجعفریه. 1387.
52. علامه مجلسی: «بحار الانوار»، مؤسسه الوفا، بیروت، چ دوم 1403.
53. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیر کبیر. تهران، 1371.
54. فراهیدی، خلی بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت. 1410.
55. فرجاد، محمد حسین، آسیب شناسی اجتماعی ستیزه های خانواده و طلاق، تهران، منصورى. 1372.

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجانشرقی، مراغه، بلوار شهید درخشانی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۸۲ - ۰۴۱۳۷۲۵۵۰۶-۹ داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



56. قاسمی روشن، ابراهیم: «همسر آزاری، رفتارشناسی آزار علیه شوهر»، فصلنامه کتاب زنان، تهران، تابستان 1382.
57. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، چاپ دهم، 1383.
58. کاتوزیان، ناصر: «حقوق مدنی خانواده»، تهران، بهمن برنا، چ پنجم، 1378.
59. -----، دوره مقدمات حقوق مدنی، تهران، نشر دادگستر. 1376.
60. کار، مهرانگیز: «پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران»، انتشارات روشنفکران و مطالعات زنان، تهران، چ اول، 1379.
61. کاظمی، فاضل الجواد، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، تصحیح عبدالرحیم العقیق البخایشی، قم، نوید اسلام. 1387.
62. کلینی رازی (شیخ کلینی)، ابوجعفر محمد بن یعقوب: «الاصول من الکافی»، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ سوم، 1388.
63. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، قم، دار الحدیث للطباعة و النشر. 1429.
64. کی نیا، مهدی، مبانی جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه تهران. 1370.
65. گرجی، ابوالقاسم، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. 1384.
66. لطفی، اسدالله، حقوق خانواده، تهران، انتشارات خرسندی. 1389.
67. محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران، نشر علوم اسلامی، 1379.
68. -----، فرهنگ فاطمیه، اصفهان، نشرمرکز فرهنگی شهید مدرس، 1365.
69. محمدی، مرتضی: «ترتیب اموال زوجین در حقوق ایران و فرانسه»، فصلنامه علمی - پژوهشی نامه مفید، تهران، سال هشتم، بهار 1381.
70. -----، «حقوق و تکالیف زوجین در حقوق اسلام»، تهران، ماهنامه رواق اندیشه، سال اول، مهر و آبان 1380.
71. مصطفوی، سید جواد (بی تا)، بهشت خانواده، ج 1، قم، دارالفکر.
72. مطهری، مرتضی: «مجموعه آثار»، انتشارات صدرا، تهران، چ دوم، 1379.
73. -----، «نظام حقوق زن در اسلام»، تهران، انتشارات صدرا، چ بیست و یکم، زمستان 1374.
74. معاونت آموزشی قوه قضائیه، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاههای خانواده، تهران، جنگل. 1387.
75. مقدادی، محمد مهدی، ریاست خانواده، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، 1385.
76. مقدس اردبیلی، احمد، «مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان»، جامعه مدرسین، قم، 1404.
77. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران: «تفسیر نمونه»، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1366.
78. -----، تفسیرنمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه. 1368.
79. مهریزی، مهدی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. 1382.
80. موحدی لنکرانی، محمدفاضل، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - النکا ح، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار. 1421.
81. موسوی بجنوردی، سید محمد: «فقه زنان»، تهران، فصلنامه ریحانه، سال اول، بهار 1382.
82. -----، حقوق خانواده، تهران، مجد. 1386.
83. موسوی خمینی، سید روح الله: «تحریر الوسیله»، قم، مکتبه الاعتماد، چ چهارم، 1403.

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجانشرقی، مراغه، بلوار شهید درخشانی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۲ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶ - داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



84. -----، «صحیفه امام»، قم، مؤسسه آثار نشر امام خمینی (ره). 1404.

85. موسوی خویی، سید ابوالقاسم: «کتاب النکاح»، قم، انتشارات دارالعلم، 1365.

86. مومن سبزواری، محمد باقر بن محمد: «کفایة الاحکام»، اصفهان، مدرسه صدر مهدوی. 1366.

87. مومن قمی، محمد: «کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة موسسه نشر اسلامی»، تهران، چ اول، 1415.

88. مؤمن، رقیه سادات، جایگاه و محدوده حقوق جنسی زوجین در فقه امامیه و حقوق ایران، تهران، دانشگاه امام صادق (ع). 1392.

89. میرخانی، عزت السادات، رویکرد نوین در روابط خانواده، تهران، انتشارات سفیر صبح. 1380.

90. نجفی، محمد حسن: «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام»، تهران، المكتبة الاسلامیة، چ دوم، 1366.

91. -----، جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

92. نهج الفصاحة، تحقیق، ترجمه و تدوین علی سلیمی، تهران، جمهوری. 1386.

93. نوری طبرسی، میرزا حسین: «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، مؤسسه آل البيت (ع)، بیروت، 1408.

94. نوری، رضا، نکاح خانواده (حقوق خانواده در حقوق مدنی)، تهران، انتشارات پاژنگ، چاپ اول. 1379.

95. نیلی پور، مهدی، فرهنگ فاطمی، اصفهان، نشرمرکز فرهنگی شهید مدرس. 1380.

96. هدایت نیا گنجی، فرج الله، حقوق مالی زوجه (اجرت المثل، نحله و تعدیل مهریه)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. 1385.

97. وفادار، علی، حقوق خانواده (حقوق مدنی 5)، تهران، انتشارات وفادار. 1390.

98. Carbonnier, Jean, Droit Civil, 5 ed., T. I., Paris, 1964

99. Martyet, Reynaud., Droit Civil, T., I., 2 volume, Les personnes, 2ed., Paris, 1967

100. Mazeaud, Henri, Leon et Jean, Lecons de Droit civil. T., I., 2 volume, famille et incapacites, 4ed. 1967

101. Planiollet, Ripert & Traite, pratique, Droit civil franc, ais, 2 ed. T., I., parsavatie, 1952

102. Population et SOCIETES, violence against women: the first french national survey, Maryse jaspard and the EMVEFF Team, 364, January 2001

103. The intimate Enemy: Gender Violence and Reproductive Health. U.S. Department of Justice, National Institute of Justice centers for Disease control and Prevention; Prevalence, Incidence and consequences of violence Against women: Findings from the National violence Against women survey. By: patricia Tgaden and Nancy Thoennes, November 1998.



The Right to Physical & Mental Health of the Wife in the Relationship of Couple; With Attitude on French Law

Seyyed Javad Bagheri Ardeshir

Ph.D Student in Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
seyyedbagheri2023@gmail.com

Abstract

From the point of view of Iran's laws, it is permissible to punish the wife when the wife refuses to submit to the husband. Based on this, apart from forfeiting the right to alimony, the husband has the right to gradually implement three other types of punishments mentioned in verse 34 of Surah Nisa: admonitions, staying away from the bed, and then beating the wife. Of course, these punishments are subject to the possibility of having an effect on the wife. According to Article 1108 of the Civil Code, "whenever a woman refuses to perform marital duties without legitimate obstacles, she will not be entitled to alimony." Therefore, the only punishment provided by the law for the wife is the termination of alimony. This article is an attempt to solve research shortcomings and remove doubts and prejudices in this field. The results of this study show that neither husband nor wife has the right to coerce and control their other party in Tamkeen. Therefore, the lack of coercion of the husband and wife on this matter shows that control in this case is an impermissible violence. Violence against women is one of the important social issues in the West, which has been on the political and social agenda of developed countries since the 1990s. The increasing trend of various forms of violence and discrimination against women and its harmful consequences for Western countries have caused these countries to seriously confront this phenomenon. The establishment of international conventions and the development of strategies and the approval and implementation of domestic laws are evaluated in order to deal with the increasing trend of this phenomenon. In this article, a brief report of the latest published statistical research on the quality and quantity of violence against women in the two countries of Iran and France is presented, and it turns out that despite all the precautions and solutions to deal with violence against women, the statistics of violence against women are still on the rise.

Keywords: Right to Physical Health, Right to Mental Health, Wife Punishment, Iran's Regulations, French Law.